

# هو الله - ای عاشقان حقیقت و خادمان عالم انسانی...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (16) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء، جلد 3، صفحه 65

( 16 )

بواسطه امة الله مس مارثا روت علیها بهاء الله الأبهی کاتبین اسموسن می می پارا مسیس هلن هندرسون مستر میکل شلی و همشیره اش مسیس برثا تماس مسیس و گاس مستر اسعد بشاره دکتر دارلینگ مستر فرناندیس گیروفوش درسانبوس دکتر رمسیس ورکس مسیس هرش ارنولتو مندوزا سنوریتا کارولینا مستر امریکو کپفر

## هو الله

ای عاشقان حقیقت و خادمان عالم انسانی چون از گلشن افکار و نوایای شما بوی خوشی بمشام میرسد لهذا سائق وجدانی مرا بر نگارش این نامه مجبور مینماید ملاحظه مینمائید که جهان چگونه بیکدیگر در افتاده و اقلیمی چند بخون انسان رنگین گشته بلکه خاک بخون مخمر گردیده نائره حرب چنان شعلهئی زد که نه در قرون اولی و نه در قرون وسطی و نه در قرون اخیره چنین جنگ مهیبی واقع گشته سرها چون دانه شده و حرب چون آسیاب بلکه اشد از آن اقلیم آباد ویران شد و شهرها زیر و زیر گشت و قرای معموره مطموره شد پدران بی پسر گشتند پسران بی پدر شدند مادرها بر ماتم نورسیدگان خون گریستند اطفال یتیم شدند نساء بی سر و سامان شدند عالم



ORIGINAL

انسانی در جمیع مراتب تدنی نمود فریاد و فغانست که از یتیمان بلند است ناله و حنین است که از مادران باوج  
اعلی میرسد جمیع این وقایع منشأش تعصب جنسی است و تعصب وطنی و تعصب دینی و تعصب سیاسی است و  
منشأ این تعصبات تقلید قدیمه است تقلید دینی است و تقلید جنسی است و تقلید وطنی است و تقلید سیاسی  
است تا این تقلید باقی بنیاد انسان بر باد است و عالم بشری در خطر عظیم حال در چنین عصر نورانی که حقایق  
جلوه نموده و اسرار کائنات مکشوف گردیده صبح حقیقت دمیده جهان روشن شده آیا جائز است که چنین  
حرب مهیبی واقع گردد که عالم انسانی را بخسران مبین اندازد لا والله حضرت مسیح عموم بشر را بصلح و  
سلام خواند و بحضرت پطرس فرمود شمشیر را در غلاف کن این بود وصیت و نصیحت حضرت مسیح ولکن  
جمیع مسیحیان حال سل سیوف نموده اند چه مناسبتی حال میان این اعمال با آن نص صریح انجیل باری حضرت  
بهاءالله شصت سال پیش مانند آفتاب از افق ایران طلوع نمود و اعلان فرمود که افق عالم تاریک است و این  
تاریکی نتایج وخیمه بخشد و حروبات شدید و وقوع یابد در زندان عکا بامپراطور آلمان صریحا خطاب میفرماید که  
حرب شدید واقع خواهد شد و برلین ناله و حنین خواهد نمود و همچنین پادشاه ترک در حالتیکه مظلوم بود و  
اسیر زندان او یعنی مسجون در قلعه عکا بود صراحة مرقوم فرمود که اسلامبول بانقلابی عظیم گرفتار خواهد  
گشت بدرجهئی که اطفال و نساء بفریاد و فغان خواهند افتاد

خلاصه بجمیع پادشاهان و رؤسای جمهور مرقوم فرمود و عینا واقع گشت و تعالیی بجهت منع حرب از قلم اعلی  
صادر شد و در جمیع آفاق منتشر گشت

اول تحری حقیقت زیرا تقلید انسانرا بلید مینماید و چون تحری حقیقت گردد عالم انسانی از ظلمات تقلید رهائی  
یابد

و تعلیم ثانی وحدت عالم انسانی جمیع خلق اغنام الهی و خدا شبان مهربان بجمیع اغنام رأفت کبری دارد بهیچوجه  
امتیازی نگذاشته است لاتی فی خلق الرحمن من تفاوت کل عباد له و کل من فضله یسألون

تعلیم ثالث اینکه دین حصن حصین است ولی باید سبب الفت باشد نه سبب عداوت و بغضاء و اگر سبب  
عداوت و بغضاء باشد لزومیتی ندارد چه که دین بمنزله علاج است اگر علاج سبب مرض شود ترک علاج  
احسن است و همچنین تعصب دینی تعصب جنسی تعصب وطنی تعصب سیاسی جمیع این تعصبا هادم بنیاد  
انسانیت و جمیع این تعصبا سبب خونریزیست و ویرانی عالم انسانی لهذا تا این تعصبا باقی حرب مهیب مستمر  
علاج این صلح عمومی است و صلح عمومی باید محکمه کبری از قبل جمیع دول و ملل تشکیل شود و مسائل ملی  
و دولی بآن محکمه راجع آنچه آن محکمه کبری حکم نماید مجری و اگر دولتی یا ملتی تخلف نماید عالم انسانی بر آن  
دولت و ملت قیام نماید

و از جمله مساوات میان زن و مرد در جمیع حقوق و امثال ذلک بسیار حال واضح و مشهود شد که این تعالیم حیات عالم انسانیست و روح حقیقی حال شما چون خدام عالم انسانی هستید باید بجان و دل بکوشید تا عالم انسانی از این تاریکی عالم بشری و تعصبات طبیعی نجات یابد و بروشنائی عالم الهی فائز شود الحمد لله بجمیع قوانین و شرائع و مبادی مطلع هستید الیوم جز باین تعالیم عالم انسانی راحت و آسایش نیابد و این ظلمات منکشف نگردد و این امراض مزمنه شفا نیابد بلکه روز بروز سخت تر شود و بدتر گردد بالکان آرام نگیرد از اول بدتر شود دول مقهوره آرام نگیرند بهر وسیله تشبث نمایند که آتش جنگ دوباره شعله زند حرکتهای تازه عمومی تمام قوترا در تنفیذ مقاصد خویش مجری خواهد نمود حرکت شمالیه خیلی اهمیت خواهد یافت و سرایت خواهد کرد پس شما با قلبی نورانی و روحی رحمانی و قوتی ملکوتی و تأییدی آسمانی بکوشید که عالم انسانی را موهبتی ربانی گردید و سبب راحت و آسایش از برای بشر گردید (ع ع) حیفای جنواری ۱۹۲۰